

An Explanation of the Break and Theoretical Transformation from Classical Terrorism to Modern Terrorism

*Fariborz Arghavani Pirsalami*¹

*Muzaffar Hasanvand*²

*Mohsen Shukri*³

As an inevitable phenomenon, terrorism has directly and indirectly engaged the formal and informal actors of the international system, and has gradually expanded the geographical scope of terrorist acts. This research is intended to assess the capability of the theories of international politics to respond to the conceptual transformation of terrorism, and to try to provide an answer to this question: “What are the most important features of the theoretical transformation of classical terrorism to modern terrorism?” With this in mind, due to the fact that theories in the field of international politics have not been able to analyze modern terrorism well, we tried to test the hypothesis that, there is a theoretical rupture in the concept of modern terrorism compared to the classical type following the process of globalization and change in the system International on the basis of systemic and multilevel views. Accordingly, the most important components of the theoretical transformation and of classical terrorism compared to modern terrorism are: increase of threats, generalization and expansion, change in the nature and function, importance of organizational, networking and cyber terrorism, geographical spread of international terrorism and change in activists' reaction to international terrorism. This is a theoretical research following explanatory method whose data are collected on the basis of library and internet resources.

Keywords

Classic terrorism, modern terrorism, theory, globalization, international politics

1. Corresponding author: assistant professor of international relations, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Iran farghavani@shirazu.ac.ir

2. PhD candidate in political science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Iran mhasanvand@gmail.com

3. PhD candidate in political science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Iran shokrimohsen-s@yahoo.com



تبیین بر گسست و تحول نظری از تروریسم کلاسیک به

تروریسم نوین

فریبرز ارغوانی پیرسلامی^۱

مظفر حسنونند^۲

محسن شکری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاهم - بهار ۱۴۰۰

چکیده

تروریسم به‌عنوان پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر، کنشگران رسمی و غیررسمی سیستم بین‌الملل را به شکل مستقیم و غیرمستقیم درگیر خود کرده است و به تدریج گستره جغرافیایی اقدامات تروریستی بیشتر شده است. این مقاله با بررسی توان پاسخ‌دهی نظریه‌های مطرح در عرصه سیاست بین‌الملل نسبت به تحول مفهومی تروریسم، به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین مشخصه‌های تحول نظری از تروریسم کلاسیک به مدرن کدامند؟ برهمن اساس با بیان اینکه، نظریات مطرح در عرصه سیاست بین‌الملل، نتوانسته تروریسم نوین را به‌خوبی تحلیل کنند، این فرضیه را مورد ارزیابی قرار داده است که براساس نگاهی سیستمی و چندسطحی باید گفت که به دنبال فرایند جهانی‌شدن و تغییر در نظام بین‌الملل، گسست و تحول نظری در مفهوم تروریسم نوین نسبت به نوع کلاسیک ایجاد شده است. برهمن اساس، مهم‌ترین مؤلفه‌های گسست و تحول نظری تروریسم کلاسیک به تروریسم نوین عبارتند از: افزایش تهدیدات، عمومیت یافتن و موسع شدن، تغییر در ماهیت و کارکرد، اهمیت یافتن تروریسم سازمانی، شبکه‌ای و سایبری، گستردگی جغرافیایی تروریسم بین‌المللی و تغییر در واکنش کنشگران نسبت به تروریسم بین‌المللی. این پژوهش از نوع نظری است و روش پژوهش، تبیینی و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی

تروریسم کلاسیک؛ تروریسم نوین؛ تئوری؛ جهانی‌شدن؛ سیاست بین‌الملل

۱. نویسنده مسئول: استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

farghavani@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

mhasanvand@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

shokrimohsen-s@yahoo.com

مقدمه

امنیت جهانی در دوران مدرن، دستخوش تغییرات شگرفی شده است. رفتار، شیوه اندیشیدن و راهبردهای کنشگران درگیر در این فرایند، تکامل یافته است و تمام بازیگران دخیل می‌دانند که «هیچ مسئله و موضوع ساده و قابل‌پیش‌بینی وجود ندارد». نظام بین‌الملل همچنان شاهد افزایش تهدیدات خشونت‌آمیز افراطی است و اغلب کشورها را دربرگرفته است. براساس گزارش کمیسیون اروپا، میزان جنایت در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است و [سوداگران] تقریباً سالانه ۳۰ میلیارد یورو از قاچاق انسان سود می‌برند. تجارت بین‌المللی در داروهای تقلبی به ۳۸/۹ میلیارد یورو رسیده است و مجرمان با گسترش فعالیت‌های خود به نفوذ قانونی خود تداوم بخشیده‌اند. مزایای نوآوری‌های جدید مانند دستیابی به سلاح‌های گرم از بازارهای برخط (آنلاین) و بهره‌گیری از هوش مصنوعی به توسعه اهداف مخرب مجرمان و تروریست‌ها منجر شده است (European Commission, 2020: 4).

امروزه گروه‌های تروریستی نماینده دیگری از بازیگران مهم خارج از اختیارات دولت‌ها هستند. براین‌مبنا، اقدامات تروریسم جدید بر هویت‌بخشی مذهبی، چالشی برای نظام حاکمیت دولت‌هاست (Ghosh, 2014: 97). گرچه تروریسم پدیده‌ای جدید نیست، اما در عصر مدرن با پوشش جدید، در صورت‌های مختلفی تداوم یافته است (Ganor, 2012: IX). از اواخر دهه ۱۹۹۰ آشکار شد که تروریسم تغییر کرده است. برخی از تحلیلگران اصطلاح «تروریسم جدید» را به‌منظور توصیف آنچه اساساً راه‌های جدید برای فعالیت و ابراز خشونت تروریست‌هاست، ابداع کردند. آنها استدلال کردند که «تروریسم جدید» ناشی از نیروهای مدرن و به‌ویژه جهانی‌شدن است. سه مشخصه اصلی این مهم عبارتند از: وجود ساختارهای پراکنده فراملیتی به جای سازمان‌های رسمی قدیمی، ماهیت شبکه‌ای به‌جای روابط شخصی، گذار از مرکز «ثقل جغرافیایی» و عدم مرجع جغرافیایی دائم (Neumann, 2008: 3).

گوپرتز و استریتپارد معتقدند که رفتار، راهبردها و تاکتیک‌های گروه‌های تروریستی نشانگر جدید بودن تروریسم است. آنها با بررسی بنیان‌های ایدئولوژیکی و مذهبی جریان‌های افراطی، ضمن شناخت جنبه‌های الهیاتی و آموزه‌ای، بر این باورند که مشخصه‌های فراملی، الگوهای تعامل و تقابل و ساختار تروریسم جدید نشانگر گسترش دایره اقدام، تفاوت در اشکال، ساختار و پیچیده‌شدن این تهدید بزرگ می‌باشد (Goertz & Streitparth, 2019). درحقیقت، آنچه امروزه به‌عنوان تروریسم به‌ویژه در اندیشه اسلامی شناخته می‌شود، مسئله‌ای پیچیده است و فهم آن نیازمند آگاهی از ایده‌ها، ایدئولوژی،



دلایل اقتصادی - اجتماعی، سنت تاریخی و اندیشه‌ای است. اقدامات تروریستی جدید صرفاً براساس محرومیت‌های تصادفی اقتصادی شکل نگرفته است، بلکه با نوع جدیدی از خشونت دهند (Warraq, 2017). چالش اصلی برای دولت‌ها (به‌ویژه لیبرال)، پیچیدگی منطق و راهبرد رفتاری گروه‌های موجود برخلاف نوع سنتی می‌باشد. علاوه بر آن، مشارکت و حمایت برخی دولت‌ها از این گروه‌ها و وجود شکاف و اختلاف نظر جامعه جهانی در فهم تروریسم منجر به عدم اتفاق نظر برای تعریف این پدیده جدید شده است. (Ganor, 2015). گزارش وزارت امور خارجه امریکا در ارتباط با تروریسم در کشورهای جهان در سال ۲۰۲۰ با وجود برخی جهت‌گیری‌های منفی در مقابل کنشگران ناهمسو، نشانگر گستردگی و تعمیق و تشدید اقدامات تروریستی در سطوح مختلف در حال حاضر است.

با بهره‌گیری گروه‌های تروریستی از ابزارها و فناوری‌های جدید سایبری و گسترش جرایم سازمان‌یافته دیجیتالی، میزان آسیب‌پذیری دولت‌ها افزایش یافته و آنها با تهدیدات غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده‌ای روبه‌رو هستند (Dawson & Omar, 2015). با این وجود، بحث‌ها در مورد تروریسم معاصر از فقدان دیدگاه تاریخی رنج می‌برد. برخی از ناظران معتقدند که تروریسم امروز با دهه‌های گذشته یا حتی قرن‌ها متفاوت است و بسیاری از مردم معتقدند که القاعده و گروه‌های وابسته به آن، یک پدیده‌ای کاملاً جدید هستند. سازمان‌های تروریستی معاصر به نسبت گذشته از اشتباهات خود یاد می‌گیرند و روش‌ها و رویکردهای خود را با شرایط در حال تغییر سازگار کرده‌اند. (Mockaitis, 2007: 19). تروریسم در دهه‌های اخیر متحول شده و نظریات کلاسیک و حتی برخی از نظریات نوین سیاست بین‌الملل قادر به تبیین آن نیستند.

هدف این پژوهش، تحلیل و تبیین تحول در نظریه‌های مطرح مطالعات سیاسی در ارتباط با تروریسم کلاسیک و نوین و بررسی تحول نظری از تروریسم کلاسیک به نوین است. بر همین اساس با بررسی مفهومی تروریسم، به نقد و توان پاسخ‌دهی نظریات مطرح در تبیین تروریسم نوین و در نهایت، مشخصه‌های گسست و تحول مفهومی تروریسم نوین در وضعیت آشوب‌زده اخیر پرداخته خواهد شد. اهداف، ضرورت و اهمیت پژوهش اخیر در چند سطح قابل بیان است. نخست، توجه به تحول مفاهیم در امنیت و سیاست بین‌المللی به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر و لزوم توجه مضاعف به آن، دوم، تبیین و نقد نظریات مطرح سیاست بین‌الملل و ارزیابی توان توضیح آنها در ارتباط با مفاهیمی چون تروریسم که از شکل کلاسیک خارج شده و براساس تحول نظری به شکل جدیدی درآمده‌اند. سوم، بررسی علل تغییر و تحول نظری تروریسم نوین. چهارم، قلت و کاستی منابع و ضعف آنها (بالأخص در مطالعات داخل ایران) و لزوم توجه به آن با توجه به اهمیت تروریسم در محیط

امنیتی غرب آسیا و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.

ادبیات و دیدگاه‌های پژوهشی

باتوجه به نظری بودن پژوهش و اهمیت آن در مطالعات سیاسی، ادبیات پژوهش مقاله اخیر در چند سطح (بررسی تروریسم در ارتباط با جهانی شدن، امنیت، نظریه‌ها، مطالعات موردی و غیره) تفکیک شده است.

برخی از مطالعات عموماً براساس تأثیر جهانی شدن به بررسی تروریسم نوین و همچنین تحول در مولفه‌های تروریسم پرداخته‌اند. آسونگ و نواچوکو^۱ (۲۰۱۷) براساس شاخص تروریسم داخلی، بین‌المللی، حکومت سیاسی، اقتصادی، حاکمیت نهادی و حکومت عمومی در بررسی تأثیر تروریسم در ۵۳ کشور آفریقایی طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲، اعتقاد دارند که با توسعه فرایند جهانی شدن و رشد فناوری ما با موضوع تروریسم نوین روبه‌رو هستیم. اسملسر و میچل^۲ (۲۰۰۲) به بررسی دیدگاه‌های علوم رفتاری و اجتماعی در ارتباط با تروریسم پرداخته‌اند و با واکاوی و رمزگشایی مفهومی تروریسم به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به تحلیل ریشه‌ها و زمینه‌های تروریسم پرداخته‌اند. نویسندگان دو مسئله مهم را تبیین کرده‌اند که عبارتند از: نخست، نقش امپریالیسم، استعمار و جهانی‌سازی و تأثیر آن بر جوامع و متن فرهنگی آنها و واکنش به آثار آن در ارتباط با ریشه‌های تروریسم و دوم، مؤلفه‌ها، ابعاد و کنشگران سازمان‌ها و شبکه‌های تروریستی و پاسخ‌ها به آن.

جیمز روزنا و ارسل آیندلی^۳ (۲۰۰۵) با بیان اینکه، پویایی‌های جهان در حال گسترش است و تنش و ابهامات دنیای بحران‌زا و آشوب‌زای جهان حاکی از تغییر رویکردی در سطوح مختلف است به تغییر رویکردهای در حال گذار در عصر جهانی شدن پرداخته‌اند و معتقدند که تروریسم بین‌المللی، تجلی‌گاه وضعیت آشوب‌زده دنیای چندوجهی، چندمحور و سیال است.

برخی از مطالعات به بررسی تروریسم در ارتباط با امنیت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) اقدام کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین پژوهشگران در این زمینه، گاس مارتین^۴ (۲۰۱۶)، استاد دانشگاه کالیفرنیاست. وی در پژوهشی با عنوان «درک تروریسم: چالش‌ها، دیدگاه‌ها و مسائل»^۵ توانسته است تصویری جامع از تروریسم با نگاهی انتقادی ارائه کند و

1. Simplice Asongu & Jacinta Nwachukwu

2. Neil. J. Smelser & Faith Mitchel

3. James N. Rosenau & Ersel Aydinli

4. Gus Martin

5. Understanding Terrorism: Challenges, Perspectives, and Issues



نقش تروریسم را به‌ویژه در ارتباط با امنیت براساس نظریات، حوادث و عکس‌العمل‌های جدید تبیین کند. عید (۲۰۱۴) معتقد است تروریسم همانند اکسیژن برای رسانه‌ها عمل می‌کند و برهمین‌اساس به بررسی نقش تروریسم در امواج رسانه‌ای و فهم رسانه‌ها از تروریسم در طول زمان، تاکتیک‌های تروریستی و راهبرد رسانه‌ها، کارکرد تروریسم و عقلانیت و مسئولیت در برابر تروریسم و غیره پرداخته است. برمان^۱ (۲۰۰۹) در پی تحلیل آن است که چرا تروریست‌های مذهبی نظیر طالبان سرزنده هستند و چه چیزی تروریسم را تحریک می‌کند و اقتصاد داخلی و سیاسی و میزان کارایی سازمانی جریانات تروریستی در دوران اخیر چگونه است؟ اوکین^۲ (۲۰۰۷) با بیان اینکه تروریسم صرفاً متعلق به گروه‌ها نیست و حتی توسط دولت‌ها نیز هدایت می‌شود، به بررسی تروریسم در گذشته و حال و مفاهیم آن، رژیم‌های توتالیتر و تروریسم دولتی در کشورها و خارج از آن، گروه‌های تروریستی در درون دموکراسی‌های لیبرال و تروریسم بین‌المللی پرداخته است.

برخی از مطالعات به بررسی مطالعات موردی تروریسم پرداخته‌اند. نیکبای و هانسری^۳ (۲۰۰۷) برای درک و پاسخ به تروریسم (به‌ویژه در ارتباط با ترکیه) به بررسی پارادایم روان‌شناختی و اجتماعی و بازتاب‌های تاریخی آن در ظهور تروریسم جدید، تسلیحات بیولوژیک و تحلیل اجتماعی و اقتصادی آن پرداخته‌اند. سپس به بررسی مطالعات موردی درباره حملات انتحاری و تروریسم رادیکال نظیر تروریسم اسلامی و ظهور اسلام رادیکال در کشورهای پسا شوروی پرداخته و در ادامه به تحلیل تاکتیک‌ها و سیاست‌های مبارزه با تروریسم، آموزش‌های پیشگیرانه، نقش تفکر اسلامی برای پاسخگویی به تروریسم و تهدیدات جدید تروریستی اقدام کرده‌اند. کارپنتر و وینسیک^۴ (۲۰۰۵) در بررسی امنیت و محیط جدید امنیتی در کشورهای مطرح آسیا، به‌ویژه آسیای شرقی، عمدتاً تروریسم را در ارتباط با تهدیدات شورشیان در سریلانکا و افراط‌گرایی در تایلند مورد بحث قرار داده است.

جستارهای پژوهشی دیگر نیز از منظرهای مختلف به تروریسم، بالأخص از منظر نوین (شکل تاریخی، تجلیات آن، الگوها، نقش حوادث تروریستی نظیر ۱۱ / ۹ و غیره) پرداخته‌اند. گتی و مانینگ^۵ (۱۹۹۳) با بررسی تروریسم در شوروی سابق به تحلیل نقش طبقات، سیاست، روابط اجتماعی، بحران‌های اقتصادی ۱۹۳۶ - ۱۹۴۰ به نقش

-
1. Berman
 2. O' kane
 3. Nikbay & Hancerli
 4. Carpenter & Wiencek
 5. Getty & Manning

پاک‌سازی‌های مخوف و الگوهای سرکوب استالینیستی پرداخته‌اند. چالیاند و بلین^۱ (۲۰۰۷) در بررسی تاریخ تروریسم با بیان نقش تروریسم به‌عنوان یک راهبرد شورشی و نقش آن در طی قرون مختلف نظیر آنارشیست‌های قرن نوزدهم و تروریسم روسی، اسلام‌رادیکال و آینده آن و عصر طلایی تروریسم پرداخته‌اند و در ادامه به بررسی نقش تروریسم در زمان جنگ و نقش امریکا در تقابل با تروریسم اقدام کرده‌اند. موکایتیس^۲ (۲۰۰۷) به بررسی تروریسم «جدید»: اسطوره‌ها و واقعیت‌ها پرداخته و به دنبال پاسخ به آن است که تروریسم گذشته و حال چگونه است، الگوها و روندهای آن کدامند، تروریست‌ها چه می‌خواهند و نهایتاً نحوه پاسخ به تروریسم و رویکردهای جامع در برابر آن را تحلیل کند. لاکویر^۳ (۲۰۰۲) در تحلیل تاریخ تروریسم به بررسی جامعه‌شناسی و تفسیرهای تروریستی، اعتقاد دارد که تروریسم اخیر به اشکال مختلف در گذشته نیز وجود داشته، ولی مورد غفلت قرار گرفته است. باید گفت که نوعی نگاه جانبدارانه و سرمایه‌دارانه در تحلیل وی حاکم است و عمدتاً تروریسم امروز را در لابه‌لای گستره قرن بیستم جستجو می‌کند. نسی^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان همکاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم: سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در مبارزه با تروریسم سه محور اساسی را مورد واکاوی قرار داده‌اند: سازمان ملل متحد و مبارزه با تروریسم بین‌المللی، نقش سازمان‌های منطقه‌ای مانند کشورهای امریکایی، اتحادیه اروپا و غیره و نهایتاً بررسی تروریسم و امنیت بین‌المللی و استفاده از زور.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از ادبیات پژوهشی فوق، از چند منظر با آنها متفاوت و متمایز است. نخست، توجه و تمرکز بر تغییر و تحول نظری تروریسم کلاسیک و نوین و بیان مشخصه‌های آن. دوم، اکتفای نظری به نظریات معدود و عدم توجه به نظریه‌های دیگر در بسیاری از پژوهش‌ها. سوم، ماهیت توصیفی و تاریخی در برخی تحقیقات. چهارم، گرایش‌های فکری متعصبانه و ایدئولوژیک بر برخی پژوهش‌های غربی که بر مبنای آن عمدتاً تروریسم را به نفع قدرت‌های بزرگ تحلیل کرده و تلاش دارند تروریسم را، به ویژه در بُعد هویتی و مذهبی، نمایشی خاورمیانه‌ای و اسلامی جلوه دهند و مضافاً توجهی به جهانی‌شدن و نتایج آن - چنان‌که باید - ندارند. پنجم، یکی از جنبه‌های نوآوری پژوهش اخیر علاوه بر توجه به موارد فوق، نگاه انتقادی به نظریات مطرح سیاست بین‌الملل است و بر همین اساس تلاش داشته تا با در نظر گرفتن مؤلفه‌های تحلیل داخلی و خارجی و با

-
1. Chaliand, & Blin
 2. Mockaitis
 3. Laqueur
 4. Nesi



بهره‌گیری از مدلی جامع‌تر به موضوع بپردازد. این موارد تا آنجا که نویسندگان بررسی کرده‌اند، کمتر مورد توجه - به‌ویژه در جستارهای داخلی - قرار گرفته و در این پژوهش تلاش شده است تا مورد توجه جدی قرار بگیرند.

بنیان‌های نظری پژوهش

با بیان کلیاتی در ارتباط با تروریسم به بررسی دیدگاه‌های و نظریه‌های مطرح روابط بین‌الملل و جامعه‌شناختی سیاست بین‌الملل در ارتباط با تروریسم خواهیم پرداخت و در نهایت، مبانی نظری و مدل تحلیلی پژوهش ارائه می‌شود.

مفهوم تروریسم

وجود خلأ و شکاف بین درک و فهم تروریسم و چالش‌های مقابله با آن به عدم اتفاق نظر جامعه جهانی برای تعریف جدید تروریسم منجر شده است (Ganor, 2012: x). همچنین، جهان‌بینی‌های متفاوت باعث شده است که تعریف جامعی درباره تروریسم شکل نگیرد. به‌عنوان نمونه، برخی معتقدند که اقدامات انقلابیون فرانسه تفاوتی با اقدامات حزب ارادهٔ مردم در روسیه (۱۸۷۹) ندارد. بسیاری‌ها مخالفان دولت‌ها را و برخی دولت‌ها را تروریسم می‌خوانند (مانند سوریه) و هنوز بسیاری به‌خاطر اهداف سیاسی از کاربرد اصطلاح تروریسم برای وقایع کاملاً تروریستی خودداری می‌کنند (مانند حمله به مجلس ایران در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ یا رژه نظامیان اهواز در سال ۱۳۹۷). علی‌رغم اینکه عمل و شیوه خشونت‌آمیز تروریستی مورد پذیرش دولت‌ها و سایر کنشگران نیست، ولی در مواردی وضع متفاوت است. هافمن^۱ در این ارتباط می‌گوید: «اگرچه دولت‌ها در طول تاریخ و همه نقاط دنیا این ادعا را داشته‌اند که تروریسم، شیوه‌ای ناکارآمد برای تغییرات سیاسی است، ولی موارد موجود در قبرس، الجزایر^۲ و غیره مدارکی برای نقض آن نشان می‌دهند» (Jones & Libicki, 2008: 14).

بنابراین، برای تعریف تروریسم این مسئله مهم است که حادثه/ کنش در کجا اتفاق می‌افتد و تاجه‌میزان بر منافع کنشگران تأثیر می‌گذارد. لذا، همانند بسیاری از مفاهیم مطالعات سیاسی، اجماعی درباره تعریف پدیده تروریسم وجود ندارد.^۳

تروریسم پدیده‌ای پویا و تغییرپذیر است و سازمان‌های تروریستی با تغییر در مقدرات و محذورات خود و منافع و انگیزه‌های حامیان به‌دنبال تطبیق منافع خویش با تغییرات

1. Hoffman

۲. گروه اتنیک ارگانوسیس کیریون آگونیستون در قبرس و جبههٔ آزادی‌بخش ملی در الجزایر.

۳. برای آشنایی بیشتر با مفهوم و مشخصه‌های تروریسم ر. ک به (Martin, 2016), (Crenshaw, 1983, 2005) و (Clarke, 2007). و چن و همکاران (۱۳۹۴).

می‌باشند. سازمان تروریستی، یک سازمان یادگیرنده برای بقا می‌باشد و برای تحقق اهداف خود، باید خود و کشور دشمنش را «مطالعه»^۱ کند (Ganor, 2015: 1). در تعریف این پدیده می‌توان گفت، تروریسم عبارت است از استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت توسط افراد یا گروه‌ها برای دستیابی به یک هدف سیاسی یا اجتماعی. دو جزء مهم تروریسم، خشونت و انگیزه سیاسی و اجتماعی آن است (Sandler, 2014: 1). بین دولت، گروه‌های شورشی، جنایی و گروه‌های تروریستی در استفاده از ترور باید تفاوت قائل شد که در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. ویژگی دولتها و سازمانهای غیر دولتی استفاده کننده از ترور

ویژگیها	بازیگران	دولت	گروه‌های شورشی	گروه‌های جنایی	تروریست
اهداف	اهداف	قدرت سیاسی	قدرت سیاسی	سود	اهداف اتوپیایی
پشتیبانی مردمی	نیاز به حمایت خاص و پذیرش گسترده	نیازمند حمایت قابل توجه مردم است	نیازمند حمایت قابل توجه مردم است	نیازمند پذیرش برخی از مردم	نیازمند حمایت برخی از مردم
سازمان	رسمی و سلسله مراتبی	ارتباط سلسله مراتبی از طریق سلولها	ارتباط سلسله مراتبی از طریق سلولها	گسترده‌گی خانوادگی	شبکه‌های سلولی و گروهی
منابع مالی	درآمد مالیاتی	کمک خارجی، کمکهای داوطلبانه، فعالیت غیر قانونی	کمک خارجی، کمکهای داوطلبانه، فعالیت غیر قانونی	فعالیت غیر قانونی	کمک خارجی، کمکهای داوطلبانه، فعالیت غیر قانونی
میزان استفاده از ترور	محدود	محدود	محدود	محدود	گسترده
تمایل برای مذاکره	متوسط تا زیاد	متوسط تا زیاد	متوسط تا زیاد	متوسط	کم
تمرکز	ملی	ملی یا منطقه‌ای	ملی یا منطقه‌ای	بین‌المللی یا فراملی	بین‌المللی یا فراملی

Source: Mockaitis, 2007: 13

بنیان مفهومی تروریسم در دو شکل کلاسیک و نوین بر حذف دیگری/دیگران، وحشت و ترور استوار است. هرچند کانون مرکزی تروریسم از منظر هستی‌شناختی چندان تغییر نکرده است، ولی مظاهر عینی کنش‌های تروریستی به موازات جهانی‌شدن و تحولات شگرف ارتباطی و اطلاعاتی بیانگر آن است که تروریسم نوین از منظر معرفت‌شناختی متحول شده است و در گستره اقدام، میزان و سرعت عکس‌العمل، ابزارهای کنش، نوع



ارتباطات و تعاملات با سایر کنشگران و منابع مالی متمایز از شکل کلاسیک است. با این اوصاف، باید گفت، برخی از مشخصه‌های تحول ساختاری تروریسم عبارتند از:
 - افزایش گستره اقدام از محیط‌های محلی و داخلی به سطح بین‌الملل، شبکه‌سازی، عضوگیری مستمر و افزایش منابع مالی.
 - افزایش قدرت سازمانی، برنامه‌های منظم و عدم وابستگی گروه‌ها به رهبران و تداوم حیات.

- گسترش اهداف و آرمان‌ها، عدول از الگوهای محدود سنتی و پرداختن به مسائل متعدد اعم از ایجاد نظام بیمه‌ای یا بانکی.
 - برنامه‌ریزی‌های مدون و گذار از الگوهای صرفاً نظامی و طرح اتوپهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود (زنان و نوجوانان و کودکان قاتل^۱).

- گسترش پیچیده تعاملات و ارتباطات (اطلاعاتی - امنیتی) با برخی کنشگران دولتی و غیردولتی و معرفی خود به‌عنوان کنشگر غیرقابل انکار و در نتیجه توجه برخی قدرتها برای استفاده از ظرفیت‌های آنها برای پیشبرد منافع.
 - تعدد و کثرت روشی، راهبردهای چندمنظوره و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در سطح پیشرفته.

نظریه‌ها و تروریسم نوین

- نظریه‌های روابط بین‌الملل

مهم‌ترین ضعف‌های نظریات اثبات‌گرا (نظریات مختلف رئالیسم و لیبرالیسم) در تبیین تروریسم عبارتند از: ۱. ناتوانی در پیش‌بینی تحولات دوران جنگ سرد تحولات نوین سیاست بین‌الملل و گرایش بیش‌ازحد به بی‌توجهی به مبانی ارزشی، هنجارساز و هویتی و تأکید بر مادی‌گرایی، ۲. گرایش به ساخت قدرت و تلاش برای ایجاد نظریه‌ای برای قدرت‌های بزرگ، ۳. وجود پیش‌فرض‌های مادیرا و عدم درک انگاره‌های «دیگری» و دخالت تعصبات در فرایند پژوهش، ۴. تلاش برای حفظ وضع موجود و عدم درک تفهمی به‌ویژه در مطالعات گروه‌ها و کشورهای منتقد نظام بین‌الملل.

نظریات انتقادی و سازه‌انگاری با اینکه در موارد بسیاری از روش‌های کمی به شیوه پوزیتیویستی بهره می‌گیرند، ولی به چند علت از نظریات اثباتی متمایز می‌شوند: توجه به ابعاد ذهنی، فهم دیگری، پذیرش سایر کنشگران، توجه به تحول‌خواهی و تجدیدنظر، پذیرش ارزش‌ها، انگاره‌ها و معمای هویت. با این وجود، عمده مطالعات این حوزه، به بررسی

۱. در ارتباط با پروژه کودکان قاتل ر. ک به نصری، ۱۳۹۷: ۱۴۲ - ۱۴۶

تروریسم نپرداخته‌اند و دارای چند کاستی اساسی هستند: ۱. وجود بارقه‌ها و مفروضات آرمان‌گرایانه و ایدئالیسم در راهکارهای مقابله و پیشگیری از تروریسم، ۲. تداخل مفهومی موضوعات و تشتت آرای اندیشمندان در بررسی پدیده‌ها، مانند تبیین گروه‌های تجدیدنظرطلب، ۳. ارائه تبیین‌های ضعیف و شکننده و درنهایت عدم الگویی متناسب برای فهم قضایای تروریستی. نظریه پساتجددگرایی و سایر نظریه‌های تفسیرگرا نیز علی‌رغم توانایی تفسیر برخی رویدادها و تحولات، دارای چند ضعف هستند: ۱. تأکید صرف هنجاری و عدم توجه به برخی واقعیات تجربی و بی‌توجهی به برخی واقعیات نظام بین‌الملل، ۲. کمک به مشروعیت‌یافتن برخی اقدامات خرابکارانه و بهره‌گیری برخی جریان‌ات خشونت‌گرا و تجدیدنظرطلب از مفروضات آنها برای توجیه اهداف و اقدامات خود. چرایی عدم توانایی تشریح تروریسم در نظریات مذکور عبارتند از: نخست، جهان‌بینی‌ها و بنیان‌های هستی‌شناختی متفاوت که از یک سو، باعث عدم اجماع حتی بین اندیشمندان یک نظریه می‌شود و از سوی دیگر هر یک از نظریه‌ها بر وجوه، علل و نتایج خاص مفهوم تروریسم تأکید می‌کنند. دوم، پویایی و تحول پدیده تروریسم که باعث می‌شود مشخصه‌ها و مؤلفه‌های آن در محیط‌های منطقه‌ای در بسترهای زمانی مختلف یکسان نباشد و نمی‌توان با یک ابزار یا شیوه به مطالعه آنها پرداخت. درنهایت، دیدگاه‌ها و انتقادات نظریه‌های روابط بین‌الملل در ارتباط با تبیین تروریسم نوین در جدول ۲ آمده است.



جدول شماره (۲): ارزیابی دیدگاه نظریات روابط بین‌الملل در ارتباط با تروریسم نوین

نظریات	دیدگاه در ارتباط با تروریسم
لیبرالیسم	<p>مسائل اساسی: تروریسم فراملی به پیروزی سرزمین‌زدایی در سیاست جهانی قوام می‌بخشد. (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۱) / می‌توان با گسترش زمینه‌های همکاری و وابستگی متقابل از میزان خشونت و فعالیت تروریستی کاست / دولت‌ها نباید تنها بازیگر عرصه بین‌المللی باشند / برخورد با تروریسم نوعی اجماع جهانی و همکاری در سطح گسترده نیاز است / جهانی‌شدن از میزان خشونت و افراط می‌کاهد.</p> <p>ضعف‌ها: چالش‌های رو به رشد جهانی‌شدن و طرح جهانی‌سازی توسط دولتها / افزایش رشد و گسترده‌گی تروریسم و به دنبال آن افزایش حملات تروریستی و اختلال بر سر راه‌های جهانی شدن و همکاری بنگرید به (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۱ - ۱۲۶) / برخلاف ادعای نولیبرال‌ها، ادغام اقتصادی در کشورهای دموکراتیک و پر درآمد تأثیر معنی‌داری بر تروریسم بین‌المللی داشته است. (Blomberg, 2004: 496).</p>
رتالیسم	<p>مسائل اساسی: جنگ علیه ترور و تروریسم، چیزی در ارتباط با تلاش کشورها برای دستیابی به منافع و امنیت بیشتر تغییر نخواهد داد. استفاده از کنترل تسلیحات بعنوان بخشی از تعادل قدرت و بازی با حاصل جمع صفر و همکاری تحت شرایط خاص. (Selim, 2013: 11).</p> <p>چرا دولت‌ها زنده می‌مانند یا شکست می‌خورند؟ (Rosenau & Durfee, 2000: 11) / بی‌توجهی به نقش عوامل ذهنی، اعتقادی و سازمانی مانند هویت در تعیین منافع کنشگرانی چون تروریسم (Hunter, 2010: xiv)</p> <p>ضعف‌ها: دولت‌ها در تقابل با تروریسم هزینه‌های بسیاری را متقبل شده و آسیب‌پذیر شده‌اند و قدرت دولتها با چالش مواجه شده است. / نبود تجهیزات و ابزار لازم برای انجام وظایف تحلیلی بالاخص در جهان آشوب‌زده و چند وجهی / مادی‌گرایی و تقلیل نقش هویت و ارزش‌ها که در تحلیل تروریسم مؤثرند. / فقدان فهم نیات کنشگران تجدیدنظر طلب</p>
انتقادی	<p>مسائل اساسی: جنگ علیه تروریسم، چیزی جز تنوع سلطه در برنداشته و نتوانسته از میزان خشونت و ترور بکاهد. / دولت‌ها، عمدتاً برخی جریانات را تروریستی معرفی می‌کنند. / خواه یا ناخواه احتمال ورود « نیروهای تمدن‌زدا » به روابط بین‌الملل وجود دارد. / جنگ علیه تروریسم جان شهروندان و بازیگران تجدیدنظرطلب را در خطر انداخته و نظم جهانی را به شکل خشونت‌زا از بین می‌برد.</p> <p>ضعف‌ها: اصول اخلاقی و بنیان‌های هنجاری نمی‌تواند رویه و گفتگمانی برای حل خشونت و تروریسم سامان دهد. / علیرغم تبیین نگاه ابزاری قدرتها به تروریسم، این نظریه نتوانسته تفکیکات بین جریانات تروریستی و تجدیدنظرطلب را بیان کند. از طرفی، راه حل‌های مقابله با تروریسم در این رویکرد ناحدی آرمانی و مورد قبول قدرتها نخواهد بود.</p>
پس‌اتحادگرایی	<p>مسائل اساسی: نوعی همراهی و همدلی مضمرب با تروریسم دیده می‌شود، بدان معنا که با پذیرش عدم قطعیت و نوعی نگاه ضد روشی به سمت شالوده‌شکنی حرکت می‌کنند. / قدرتهای بزرگ با برساخته کردن تروریسم در تکوین و تثبیت آن مؤثرند.</p> <p>بازاندیشی در نگاه به تروریسم: اگر ۱۱ سپتامبر علت مقابله با تروریسم بود، پس علت آن چه بود؟ (برچیل و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۳).</p> <p>ضعف‌ها: در تبیین تروریسم بیش از اندازه هنجاری می‌اندیشند. / برخی مفروضات شالوده شکن آنها می‌تواند در خدمت کنشگران تروریستی قرار بگیرد. / عدم تفکیک بین تروریسم و جنبش‌های تجدیدنظر طلب</p>
سازه‌انگاری	<p>مسائل اساسی: در زمینه تحلیل تروریسم باید به هویت‌ها، انگاره‌ها و بسترهای اجتماعی آن توجه نمود. / هویت نقش اساسی را در رشد خشونت و گرایش به راست‌گرایی و افراط‌گرایی دارد و در این زمینه باید به نقش سرکوب‌گرایانه و سلطه‌مآبانه مداخله‌گران در برخورد با هویت‌ها توجه نمود. / مقابله با تروریسم و زمینه‌های تقویت آن باید براساس درک و اشتراکی گروسیوسی باشد نه هابزی.</p> <p>- تأثیر شرایط قوام‌بخش و گفتگمانی بر شکل‌گیری معنا (Wendt, 1999: 204) و فهم بین‌ذهنی در تکوین تروریسم</p> <p>ضعف‌ها: - شکاف نظری، تششت آرا و گزارشگاه‌های متعدد نظری در تشریح تروریسم / عدم کاربست نظری عام و کاربردی برای مقابله با تروریسم و تقلیل روش‌شناسی آن به هنجارگویی / پاسخ‌های نیم‌بند و اندک به چستی تحولات مرتبط با تروریسم</p>

نظریه‌های جامعه‌شناختی

در اینجا به بررسی برخی از مهم‌ترین نظریات مطرح جامعه‌شناختی سیاست بین‌الملل در ارتباط با تروریسم پرداخته می‌شود.

- نظریه محرومیت نسبی

براساس نظریه محرومیت نسبی، تنش‌های شکل‌گرفته براساس درک محرومیت نسبی،

زمینه و بستر را برای شرکت در خشونت‌های مدنی فراهم می‌کند. محرومیت در نهایت به مقابله و اعتراض علیه حکومت مرکزی می‌انجامد (Blomberg, 2004: 496).

– نظریه تسری

در سطح داخلی، روند تسری تروریسم ممکن است در تمام یک کشور شکل بگیرد و به مناطق دیگر با شرایط مختلف تسری پیدا کند (Crenshaw, 2005: 13). در سطح بین‌المللی براساس این نظریه، وقوع حملات تروریستی تصادفی نبوده و وجود سطح بالایی از حملات تروریستی در یک زمان مشخص نشان‌دهنده آن است که انجام یک عمل تروریستی تحت تأثیر حملات مشابه در سایر نقاط جهان قرار دارد (Bryniar, 2004: 19). مشاهده پدیده‌های تروریستی در سطح بالا در یک کشور اغلب با افزایش حوادث تروریستی در کشورهای همسایه و منطقه در ارتباط است (Crenshaw, 1983: 15).

– نظریه منازعه

در نظریه مارکسیسم در تحلیل رابطه بین تروریسم و واقعیات امروزی ناتوانند. اگرچه طبقه کارگر هنوز یک منبع مهم برای استخدام توسط گروه‌های تروریستی و تروریست‌های جدید هستند، اما گروه‌های تروریستی جدید، به این وجه مشخص توجهی ندارند؛ چراکه، در گروه‌های تروریستی جدید، کنشگران از لایه‌های بالای اقتصادی و اجتماعی هستند، مانند اسامه بن‌لادن که از خانواده‌ای ثروتمند به عضویت گروه تروریستی درآمده است (Cinoglu & et al, 2011: 54 - 56).

– نظریه کنش متقابل نمادین

این نظریه در مقایسه با نظریه‌های کارکردگرایی^۱ و منازعه در تحلیل تروریسم متفاوت است. نظریه پردازان تعامل‌گرای نمادین ادعا می‌کنند که افراد در زندگی خود با بسیاری از واقعیت‌های ذهنی روبه‌رو هستند و باید رفتار خود را با توجه به تفسیرهای خودشان شکل دهند. با این حال، این بدان معنا نیست که این نظریه اثرات جامعه بر فرد را نادیده می‌گیرد. در واقع در این نظریه، عضویت گروهی، یکی از عوامل تعیین‌کننده تفسیرهای فردی از واقعیت است و معنای متفاوت مفاهیم یکسان و مشابه را از نگاه افراد مختلف توضیح می‌دهد. این نظریه، تمایل به برچسب‌زدن به مجرمان و تروریست‌ها به‌عنوان اعضای خرده‌فرهنگ انحراف و یا به‌عنوان ضد فرهنگ - که اعضای آن را تشویق می‌کنند تا فقط نوع اقدامات خاصی را مرتکب شوند - را دارد. تعامل‌گرایان نمادین معتقدند که مشارکت در

۱. امیل دورکیم معتقد است که جامعه متشکل از سیستمی به هم پیوسته است که اجزای آن در ارتباط با هم هستند. کارکردگرایی تعادل را یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم زندگی اجتماعی می‌داند و هرگونه انحراف از آن را شوک می‌داند. مطالعات جامعه‌شناختی تروریسم نیازمند آن است که بر مبنای ساخت اجتماعی، خشونت سیاسی، ارتباطاتی، سازمان‌دهی، کنترل اجتماعی و نظریه‌سازی به بررسی تروریسم بپردازد (Badea & et al, 2017, 1-5).



فعالیت‌های گروهی در فرایند یادگیری نیز اهمیت بالایی دارد و افراد پس از مشارکت در فعالیت‌های گروهی، واقعیت را درونی می‌کنند (60 - 45: Cinoglu et al, 2011).

– نظریه اختلافات سیاسی بین‌المللی و تروریسم

تروریسم بین‌المللی را می‌توان یک اختلاف سیاسی تلقی کرد که درجهت تضعیف و تقلیل نظام و حقوق بین‌الملل رشد پیدا کرده است. این نظریه بر آن است که حتی اگر بتوان ریشه فعالیت گروه‌های تروریستی را بین گروه‌های ناراضی یافت، به معنای این نیست که بتوانیم از نقش اعضای جامعه بین‌المللی در مخالفت یا حمایت از تروریسم غفلت کرد. اعضای جامعه بین‌المللی می‌توانند در نقش حامی و مخالف گروه‌های تروریستی ایفای نقش کنند و دولت‌های حامی از گروه‌های ناراضی و اهداف سیاسی آنها حمایت می‌کنند، درحالی‌که دولت‌های مخالف به مبارزه با این گروه‌ها می‌پردازند. این تفکیک بین اعضای جامعه بین‌المللی مشکل را برای یافتن یک راه‌حل صلح‌آمیز برای یک اختلاف سیاسی خاص دشوار می‌سازد؛ چراکه اختلافات سیاسی زمانی تشدید می‌شود که آسیب‌پذیری گروه‌های تروریستی به واسطه دولت مخالف افزایش می‌یابد. نظریه مذکور بر این موضوع تمرکز دارد که رابطه مثلی در میان یک گروه آسیب‌دیده، دولت‌های حامی و دولت‌های مخالف این گروه‌ها وجود دارد. دولت‌های حامی از اهداف سیاسی گروه‌های آسیب‌دیده حمایت کرده، اما دولت‌های مخالف، حمایت از آنها را رد می‌کنند. وقتی که حامیان و مخالفین موفق به حل اختلافات سیاسی نمی‌شوند، گروه آسیب‌دیده، فعالیت‌های تروریستی را تشدید می‌کند (960 - 945: Khan et al, 1978).

– نظریه‌های نخبه‌گرا

نظریه رهبری تروریسم استدلال می‌کند که رهبران ممکن است به‌طور بالقوه دو عمل اصلی را انجام دهند: آنها می‌توانند الهام‌بخش و یا راهبردهای عملیاتی را تدوین و اجرا کنند و در برخی از مواقع هر دو وظیفه را هم‌زمان پیش برند. رهبران تروریست مانند رهبران سازمان‌های دیگر، وظایف متعددی را انجام می‌دهند. رهبران به‌طور بالقوه کارهای تجمعی زیادی را انجام می‌دهند، آنها با اعطای دستورالعمل‌های عملیاتی، سازمان و اعضای آن را کنترل می‌کنند. وظایف رهبران تروریستی عبارتند از: الهام‌بخشی (کاریزماتیک) و راهنمایی عملیات.

مدل تحلیلی پژوهش؛ در جستجوی پاسخی بهتر

تغییرات بزرگ و کوچک در سطح منطقه‌ای و جهانی و اثر متقابل هر کدام از آنها بر یکدیگر، حاکی از همبستگی و پیوند تحولات در دهه‌های اخیر است. جیمز روزنا این وضعیت پیچیدگی و پویایی را آشوب می‌داند و معتقد است که این مفهوم را می‌توان به

شکل نتیجه‌بخشی درمورد سیاست جهان به کار بست. از وجوه مشخصه محیط‌های آشوب‌زده این است که بازیگران آن پرشمارتر و به هم وابسته‌ترند و همین سبب می‌شود که این محیط بی‌ثبات‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیرتر گردد و شرایطی که بازیگران باید با آن سازگار شوند، دگرگون شود و احتمال اینکه تعداد فزاینده‌ای از آنها قادر به سازگاری نباشد، بالا رود (روزنا، ۱۳۸۴: ۹۴ - ۹۶).

تحول پارادایمی، تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را پرورش داده است. درک تغییر پارادایم پیچیده تنها منبع اصلی شناخت پویایی و تغییرات نیست، بلکه پویایی و مؤلفه علیت به‌عنوان همپوشان و همبستگی متقابل متصور می‌شوند که با پویایی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تعامل هستند و فرایندهای شکل‌گرفته اقتصادی نیز به همان میزان توسط آن شکل می‌گیرند (Aydinly & Rosenau, 2005: 2). آیدنلی^۱ و روزنا در جهانی‌شدن، امنیت و دولت - ملت: پارادایم‌های درحال‌گذار^۲ براساس تحلیل تحولات به‌وجود آمده در شکل‌گیری جهان آشوب‌زده و بحران‌زا، معتقدند که تروریسم جهانی به‌عنوان دستاورد نظری و عملی این وضعیت آشوب‌زده گریزناپذیر است. جهان چند محور تهدیدات نوینی را سامان داده که عمدتاً ناشی از واکنش در برابر جهانی است که دولت‌ها محور اصلی آن هستند. درحقیقت، به شکل گسترده‌ای، تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر باعث ایجاد آشفتگی سیستم شد و تغییراتی در زندگی محلی، داخلی و بین‌المللی پدیدار شد و به‌دنبال آن ساختارهای دیرپا در همه‌جا به سمت الگوها، جهت‌گیری‌ها و شیوه‌های جدید سوق یافتند (Aydinly & Rosenau, 2005: 221 - 232). زمانی که هژمونی‌ها درحال کاهش هستند و مرزها ناپدید می‌شوند و اتحادیه‌های نظامی حیات خود را از دست می‌دهند و تغییرات بی‌شمار سیاست جهانی را تغییر می‌دهد، چشم‌انداز نظم و حکمرانی به مسئله‌ای متعالی تبدیل خواهد شد. برهمین‌اساس، دامنه تغییرات گسترش و ماهیت نظم و حکومت تغییر می‌یابد. تغییر به‌معنای سقوط الگوهای مبتنی بر نظم، کاهش نظم و فراموشی حکمرانی است تا زمانی که الگوهای جدید بتوانند در روال سیاست جهانی شکل بگیرند، وضعیت امروز جهان چنین است (Rosenau & Czempiel, 1992: 1).

جیمز روزنا و جی. پی سینگ در کتاب فناوری اطلاعات و سیاست جهانی در بررسی دامنه تغییر قدرت و حکومت در نظام بین‌الملل در عصر فناوری اطلاعات، معتقدند که محدوده قدرت تغییر یافته است و دستور کار امنیتی جدیدی را برای مدیریت و مقابله با تغییرات نیازمندیم (Rosenau & Singh, 2002). همان‌طور که روزنا به درستی بیان



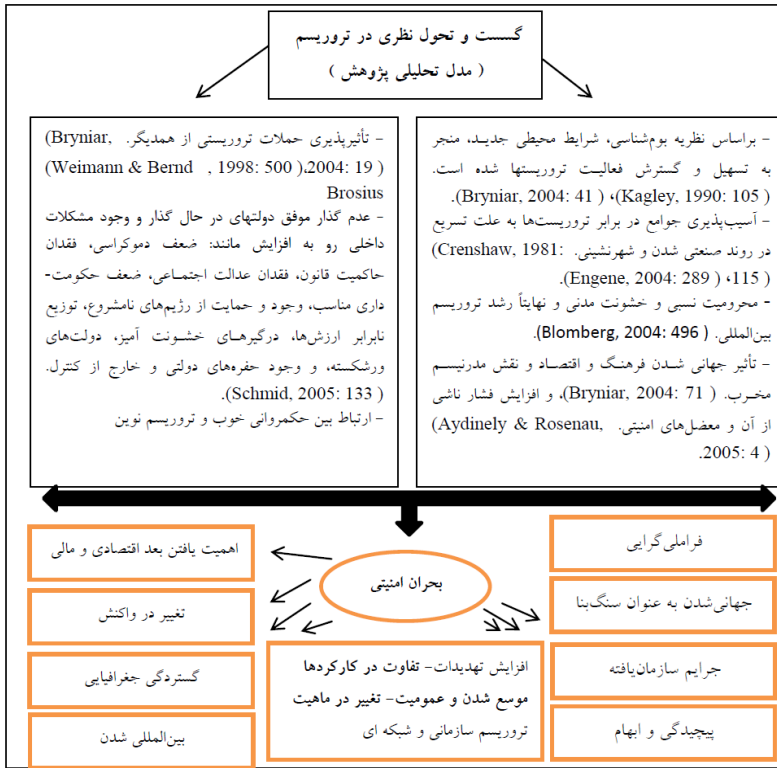
1. Aydinli
2. Globalization, Security, and the Nation State

می‌دارد، برای تحلیلگران، نظریه‌های سیاست جهانی پس از ۱۱ سپتامبر با چالش مفهومی سخت و مبهمی روبه‌رو شده‌اند و آیا باید نظریات مزبور را رها کرد یا به شکل اصلاحی [براساس رهنمون‌های لاکاتوش] آنها را احیا کرد. وقایعی از این نوع منجر به شکل‌گیری الگوهای جدید و پایداری برای تشریح وضعیت غیرقابل توضیح شد. این موضوع به ما می‌گوید که نگرانی‌های امنیتی و حوادث تروریستی باقی خواهند ماند (Aydinely & Rosenau, 2005: 222, 228).

بنابراین ما با تغییر و تحول نظری تروریسم در دهه اخیر روبه‌رو هستیم. به این معناکه ابژه تروریسم تغییر یافته، نه آن قدر که از حالت کلاسیک خود خارج شود و نه آن قدر متحول که تماماً ابژه جدید و متمایزی از گذشته داشته باشد. از طرفی سوژه‌ها و فاعل‌های شناسا، نه توانایی کامل توضیح روند تغییر را دارند و نه نظریه چنان مسلطی وجود دارد که بتواند نظریات اخیر را کنار بزند. بر همین اساس، هسته مرکزی تروریسم، حالت سخت و محفظه‌ای خود برای تعریف‌شدن را از دست داده است و ماهیتی نسبی یافته است. لذا ما با به نوعی در دوران انتقالی و گذار در ماهیت و شناخت تروریسم قرار داریم. لازم به ذکر است که چارچوب مطروح عمدتاً در بعد نظری طرح شده است، نه روش‌شناختی^۱.

بر همین اساس، در شکل ۱ مدل نظری و تحلیلی پژوهش ارائه می‌شود:

۱. پژوهش حاضر گستره نظری مسئله را مورد کنکاش قرار داده است و در سطح کمی روش‌های نوینی در مطالعات تروریسم وجود دارد که داده‌های تجربی مورد اعتباری را در اختیار ما قرار می‌دهند مانند: روش‌های ارزیابی تهدید، روش‌های جدید اینترنتی (شبکه‌ای، تحلیل محتوای وب و روش‌های نوین طبقه‌بندی اطلاعات) و روش‌های پیچیده داده‌ای.



تروریسم و مبارزه با آن زمینه مطالعاتی متنوع از حیث روش‌شناختی است (Counter-Terrorism Reference Curriculum, 2020: 5). در این پژوهش بر پایه نظریه‌های مطرح و نتایج حاصل از داده‌های به‌دست‌آمده، از روش سیستمی بهره جست‌ه‌ایم. در توضیح باید گفت، نخست، برای تشریح شاخص‌ها و مؤلفه‌ها جهت مقایسه تروریسم کلاسیک و جدید از مبادی نظری استفاده شده است. دوم، با عنایت به برخی انتقادات نسبت به ناکارآمدی‌های نظریه‌ها، از یافته‌های جدید که توانایی واکاوی مسائل جدید را افزایش می‌دهد، بهره گرفته‌ایم. سوم، در این راستا، در تحلیل موضوع به دو سطح تحلیلی داخلی و خارجی توجه و تمرکز خواهیم داشت، بدان‌معناکه مؤلفه‌ها و عوامل مرتبط را هم در بُعد درونی مانند قدرت شبکه‌سازی و سلسله‌مراتبی در تروریسم و بُعد بیرونی مانند ناکامی کنشگران در قبال تروریسم، مورد توجه قرار می‌دهیم.

درواقع باید گفت، برای فهم این مطلب که چرا گروه‌های تروریستی قدرت تحمل و

مقاومت بیشتری نسبت به گذشته یافته‌اند باید از روش سیستمی بهره گرفت (Young, J.K & Dugan, 2014).

یافته‌ها

– عوامل و مشخصه‌های گذار به تروریسم نوین

عوامل ساختاری و فرایندی متعددی در شکل‌گیری تروریسم نوین مؤثرند، مانند عدم گذار موفق دولت‌ها، ضعف دموکراسی، فقدان حاکمیت قانون، فقدان عدالت اجتماعی، ضعف حکومت‌داری مناسب، حمایت از رژیم‌های نامشروع، دولت‌های ورشکسته و غیره. در اینجا به بررسی دو متغیر کلان (جهانی‌شدن) و خرد (حکمرانی) در شکل‌دهی تروریسم نوین می‌پردازیم:

– جهانی‌شدن، سنگ‌بنای تروریسم نوین

با تبدیل شدن مبارزه با تروریسم به‌عنوان نگرانی اولیه همه کشورها، تحقیقات در زمینه تأثیرات جهانی‌شدن بر امنیت جهانی بیشتر شده است (Ghosh, 2014: 89). استفاده از ترور به‌عنوان فناوری برای دستیابی به اهداف سیاسی یا مذهبی پدیده‌ای کاملاً جدید است. ظهور این پدیده‌ها نمی‌تواند با جهانی‌شدن بی‌ارتباط باشد. از آنجاکه جهانی‌شدن منجر به همگرایی اقتصادی، تحرک کار و سرمایه آزاد می‌شود، این امر می‌تواند به تروریسم برای دستیابی به سرمایه و تجهیزات کمک کند. این وضعیت نسبتاً مدرن بدان معناست که تروریسم می‌تواند زمینه را برای وحشت مردم در مناطق مختلف ایجاد کند و مردم از خود بی‌سرگردانند که قربانی بعدی چه کسانی خواهند بود (Asongu & Nwachukwu:2017: 254 - 260).

جهانی‌شدن که عمدتاً حاصل فشار نظام سرمایه‌داری برای انباشت بیشتر سرمایه است، دنبال آن است تا آخرین منابع را تصرف کند و سیاست «همگن‌سازی» و «یکی‌شدن» را بین دولت‌ها به‌وجود آورد. لذا، هویت‌های سرخورده و مخالف یا با آن همراهی کرده یا مقابل آن قرار گرفتند و به اصطلاح «محلی‌شدن» و «جهانی‌سازی» را در مقابل همگن‌سازی برمی‌گزیدند.

بنابراین، با گسترش سریع ارتباطات، افراد به شکل ساده‌تری به جوامع محلی وارد شدند و از طرفی نیز، با شکاف و ازهم‌گسیختگی نظام‌های اقتصادی، میدان بازی به رقیبان [غربی] واگذار شد. بدین ترتیب، گروه‌ها و فرهنگ‌های محلی در رویارویی با جهانی‌شدن قرار گرفته و گروه‌های چپ‌گرا به مقابله با نظام سرمایه‌داری [ودستاوردهای مدرنش] پرداختند. در جهتی دیگر، گروه‌های راست‌گرا نیز فرهنگ خود را به‌واسطهٔ ورود مهاجرین،

پناهندگان و کارگران خارجی در معرض نابودی می‌دیدند (Lutz & Lutz, 2010: 281 - 282).

بحران هویت و احیای مذهبی - در پاسخ به مدرنیته^۱ - به تبع جهانی‌شدن از علل گرایش به گروه‌های تروریستی جدید می‌باشند. برای نمونه، نیومن معتقد است که تحت تأثیر فناوری‌های ارتباطی فواصل جغرافیایی محدود شده است و نسل دوم و سوم مهاجران اروپای غربی - مستعد گرایش به ایده‌ها و ایدئولوژی‌هایی هستند که هیچ نقطه ملی ندارند (Neumann, 2008: 3). از منظر ایدئولوژیک، ظهور تروریسم با الهام از مذهب در «احیای مذهبی» که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، برمی‌گردد. علاقه مجدد به دین برای پاسخ به احساس عدم امنیت و عدم اطمینانی است که ریشه در برخورد با مدرنیته متأخر و جهانی‌شدن دارد. سیاسی‌شدن جنبش‌های احیاگرای دینی اغلب ناشی دو عامل می‌باشد: عدم درک ایده‌ها و ایدئولوژی‌های ظاهراً مدرن و سکولار (به‌ویژه در جهان عرب) و افزایش فاصله بین سبک‌های زندگی «بنیادگرا» و جوامع شدیداً سکولار و لیبرال. [احیاگران دینی در واکنش به این فاصله و عقب‌افتادگی] به دنبال تحول بنیادی در جامعه مطابق با اصول دینی برآمدند و برخی از فعالان به فضای سیاسی هُل داده شدند (Neumann, 2008: 4). البته این هُل‌دادگی از سوی غرب نیز رهبری و حمایت می‌شد تا در پرتو آن تصویری خشونت‌زا و تهدیدساز از اسلام ارائه دهد و به مداخله خود در مسائل جهان اسلام مشروعیت ببخشد.

حکمرانی و تروریسم نوین

بین حکمرانی و حکومت با تروریسم رابطه تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. در واقع مسئله مهم این است که حکومت خوب چقدر در کاهش یا رشد تروریسم تأثیر دارد. بحث نظری مهمی وجود دارد که بر ویژگی‌های بنیادی حکمرانی خوب برای کاهش احتمال رشد تروریسم تأکید دارد. شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و عوامل نهادی در کنار تروریسم فراملی می‌تواند زمینه تقویت و گسترش تروریسم را فراهم کند (Asongu & Nwachukwu: 2017: 254 - 260). کشورهای ضعیف و شکست‌خورده نقش بسیاری در گسترش تروریسم جدید و جنایت سازمان‌یافته فراملی دارند. برخی از علل این موضوع عبارتند از: مقامات ضعیف و مستعد فساد (و کمبود یا فقدان توانایی)، همکاری ناکافی بین نهادهای امنیتی دولتی، ساختارهای اقتصادی توسعه‌نیافته، عدم انطباق نظام حقوقی با

۱. نقش مدرنیته بدان علت است که در روند رویارویی با غرب و دنیای متجدد، بسیاری از گروه‌ها و افراد احساس شکست و سرخوردگی داشته و راه برون‌رفت را در مقابله مستقیم با تمام مظاهر فرهنگ و تمدن غربی می‌جستند. به دنبال آن فرایند جهانی‌شدن نیز منجر به تشدید افراط‌گرایی در بسیاری از مناطق شد.



نیازهای جهانی شدن، نظارت و کنترل ناکافی بر مرزهای ملی، پلیس مرزی مستعد فساد، تعیین خودسرانه مرزهای ملی از زمان استعمار مانند «سایکس - پیکو» و غیره (Goertz & Streitparth, 2019: 44 - 45). بحران‌ها و جنگ‌های داخلی، آسیب‌های متعدد در زمینه دولت - ملت‌سازی، وجود دولت‌های ضعیف و عدم آموزش‌های لازم و کافی نیروهای امنیتی و پلیسی در بسیاری از کشورها مانند آفریقا (ر. ک به: Country Reports on Terrorism 2019, 2020: 132). باعث شده است گروه‌های تروریستی دامنه قدرت و نفوذ خود را عمق بخشند.

تغییر در ماهیت تحولات، شیوه گذار به دموکراسی، وجود بسترهای مناسب برای مذاکره و وجود قرائنی دال بر سهیم‌سازی در قدرت می‌تواند اعضای گروه‌های تروریستی را به سمت راهبردهای غیرخشونت‌آمیز سوق دهد. جونز و لیبیکي^۱ در این باره معتقدند که: اعضای گروه‌ها [تروریستی] وقتی متوجه شوند که روش‌های سیاسی غیرخشونت‌آمیز راه بهتری برای دستیابی به اهداف باشند، ممکن است دچار نابودی شوند. جایگزین‌های غیرخشونت‌آمیز تروریسم عموماً شامل همکاری با دولت در سطوح جمعی و فردی است. در مواردی، این امکان وجود دارد که گروه‌ها پس از رسیدن به توافق صلح با دولت، بخواهند در فرایندهای سیاسی شرکت کنند. این موضوع ممکن است به‌علت تغییر شرایط ساختاری مانند گذار از خودکامگی به دموکراسی شکل بگیرد (Jones & Libicki, 2008: 13 - 14).

نمونه‌های تجربی تأثیر حکمرانی بر تروریسم را می‌توان در منطقه غرب آسیا مشاهده کرد. در عراق دوران صدام، عدم سهیم‌سازی (به‌عنوان شاخصه‌ای در حکمرانی) بسیاری از گروه‌ها در قدرت باعث فراهم شدن زمینه و بسترهای تقویت و رشد جریان‌ات تروریستی (نظیر داعش) پس از حمله امریکا به عراق شد، همین وضعیت نیز در دوران نوری المالکی نسبت به اهل تسنن شاهدیم. همچنین در سوریه (تا قبل از بحرانی شدن)، عدم سهیم‌سازی بسیاری از جریان‌ات سنی در قدرت منجر به گرایش آنها به سمت خشونت و گرایش به داعش شد و بنابراین، عدم حکمرانی مطلوب ابزار مناسبی برای قدرت‌های مداخله‌گر برای بحرانی کردن این مناطق شد.

گسست و تحول نظری از تروریسم کلاسیک به نوین

- افزایش تهدیدات

در گذشته، تروریسم توسط مجموعه‌ای از افراد متعلق به یک سازمان شناخته‌شده [رهبری می‌شد] که دارای یک نظام فرمان و کنترل مشخص و یک مجموعه مشخص از

1. Jones & Licki

اهداف سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، عمل می‌کند. برای نمونه سازمان‌هایی مانند ارتش سرخ ژاپن، آلمان و ایتالیا، منعکس‌کننده کلیشه تروریسم سنتی بودند (Lesser, et Al, 1999: 8). در چشم‌انداز جدید، تهدید تروریست‌ها نسبت به هویت می‌تواند دامنه‌دار باشد و آسیب‌پذیری هویت فردی و اجتماعی را افزایش دهد. تهدیدات را می‌توان به واقع‌بینانه و نمادین تقسیم کرد. تهدیدات نمادین در تفاوت گروه‌ها در ارزش‌ها، اخلاق و باور و نگرش‌هاست. تهدیدات واقعی شامل گروه‌های اقتصادی و سیاسی است؛ بنابراین، واکنش مردم پس از حملات تروریستی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه با گستردگی بیشتر دامنه تهدید تروریسم جدید مردم به‌لحاظ روان‌شناختی نگران خود و خانواده‌هایشان هستند (Badea et al, 2017: 1 - 5). مضافاً، در ادبیات نظری جدید بر مسئله تروریسم هسته‌ای^۱ تأکید بسیاری می‌شود. نظریه‌پردازان متعارف این دیدگاه اگرچه راهکارهای سنتی چون قوانین اجباری بین‌المللی برای تروریسم هسته‌ای را مفید و تأثیرگذار می‌دانند، اما با مهم تلقی کردن مسئله امنیت هسته‌ای آن را کافی نمی‌دانند. برخی از آنها بر رژیم امنیت هسته‌ای منسجم تأکید دارند و معتقدند که اگر گروه‌های تروریستی پیشرفته بتوانند در راستای نیل به اهداف خود به مواد منفجره دست یابند، احتمال ساخت دستگاه هسته‌ای دست‌ساز را دارند (Masse, 2010: 302 - 305).

از طرفی، مقابله و به‌کارگیری دیپلماسی اجبار در برابر گروه‌های تروریستی با دشواری‌هایی همراه است. به تعبیر یاکوبسن باید گفت، «سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده در این زمینه مشکل به‌نظر می‌رسند؛ چراکه کنشگرانی که به‌دنبال اجرای عملیات‌های تروریستی یا گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مداخله دارند از احتمال به‌کارگیری زور علیه منافع خود به‌طور کامل آگاه هستند» (Jakobsen, 2010: 250). حتی با وجود «جنگ علیه تروریسم» پس از ۱۱ سپتامبر، هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی تروریسم مشاهده نمی‌شود و آخرین تحولات نشان می‌دهد که تروریسم به مشکل بزرگ‌تری تبدیل شده است (El-Said, 2015: 1). در ادامه باید گفت، برای نمونه حتی با وجود تلاش‌های متعدد برای مقابله با تروریست‌هایی چون داعش، آنها پس از شکست در عراق و سوریه به ایجاد شعبه‌هایی در افغانستان، عضوگیری نیروهای جدید پاکستانی، همکاری با دیگر گروه‌های شبه‌نظامی تروریستی در شبه‌جزیره سینا، جذب برخی از تروریست‌های بوکوحرام و سریلانکا روی آوردند (McAleenan, 2019: 9).

همچنین، تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد که گروه‌های تروریستی در تأمین منابع

۱. در زمینه رابطه بین تروریسم و موضوع هسته‌ای ر. ک به: Bunn, Matthew, Malin, Martin, Roth, (2016), William, Nickolas & Tobey.



مالی بر راهبردهای دولتی فائق آمده‌اند. این گروه‌ها از طریق نظام‌های مالی مختلف منابع خود را انتقال می‌دهند و نمونه‌هایی چون MONEYVAL¹، EAG²، CFT³ که در زمینه پولشویی و تأمین منابع مالی تروریسم‌ها فعالیت دارند، با مشکلات جدی روبه‌رو هستند (ر.ک به: Narcotics Control Strategy Report International, 2020). این مهم بیانگر آن است که تلاش‌هایی چون متوقف کردن تأمین‌کنندگان منابع تروریسم‌ها با مشکلات جدی روبه‌روست (Zarate, 2016).

عمومیت و موسع شدن

تروریسم نوین با تغییر در ماهیت خود به‌نوعی گروه‌های بی‌شکل تبدیل شده است (Ghosh, 2014: 97). تروریسم نوین با «عقلانیت» در تعامل است و راهبردهای آن صرفاً براساس عقاید رادیکال و آرمان‌گرایانه نیست، بلکه بین «عقل» و «ارزش‌های تقدسی» آمیزش به‌وجود آورده‌اند. بسیاری از این گروه‌ها دیگر حاضر به فداکردن واقعیت‌ها برای آرمان‌های هنجاری خود نیستند. این مقوله باعث شده است که تروریسم نوین در راهبردهای خود جوانب مختلف را بسنجند و عاقلانه‌ترین و قابل‌وصول‌ترین انتخاب را برگزینند. در این زمینه گانور در هشدار جهانی یکی از مشکلات اصلی پیش روی دولت‌های دموکراتیک لیبرال را، عقلانیت چشمگیر گروه‌های تروریستی اسلام‌گرای مدرن عنوان کرده است (Ganor, 2015).

به‌طورکلی تروریسم نوین بسته به محیط منطقه‌ای - توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته - رشد پیدا می‌کند. امروزه دیگر تروریسم فقط مختص مناطقی چون غرب آسیا نیست. ازجمله عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز ظهور تروریسم در یک منطقه شود، می‌توان به بنیادگرایی مذهبی، تنش‌های قومی و نژادی، بی‌ثباتی منطقه‌ای و سیاسی و ایدئولوژی‌های گروه‌های افراط‌گرا اشاره کرد.

در یک فهم موسع، تروریسم را می‌توان به بسیاری از روابط و تعاملات اجتماعی نسبت داد. بااین‌حال، این فهم کاملاً متفاوت از تاکتیک‌های تروریستی است که توسط دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد و از طریق برنامه‌های خاص ازپیش‌تعیین‌شده انگیزه می‌گیرند (Eid, 2014: 15). تروریسم می‌تواند توسط بازیگران غیردولتی، ایالتی و دولتی ارتکاب یابد. اکثر تعاریف تروریسم، کاربرد این اصطلاح را به بازیگران غیردولتی (افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها) محدود می‌کنند و معمولاً این بازیگران را در

1. Committee of Experts on the Evaluation of Anti-Money Laundering Measures and the Financing of Terrorism
2. Eurasian Group to Combat Money Laundering and Terrorist Financing
3. Combating the Financing of Terrorism

مخالفت یا مقابله با دولت‌ها و ایالت‌ها قرار می‌دهند (Eid, 2014: 18).

تغییر در ماهیت و کارکرد

یکی از زمینه‌های تغییرات چشمگیر در تروریسم جدید، موضوع اهداف و ایدئولوژی‌هاست. درحالی‌که در اواخر دهه ۱۹۶۰، حتی یک گروه تروریستی در هیچ جای دنیا نمی‌توانست با انگیزه دینی توصیف شود و تا اواسط دهه ۱۹۹۰، سهم آنها تقریباً به یک‌سوم کل گروه‌های تروریستی رسیده بود، ولی امروزه نه‌تنها تعداد آنها افزایش یافته است، بلکه ایدئولوژی آنها [تغییر کرده و] ترکیبی از ملی‌گرایی و نمادها و مضامین مذهبی است (Neumann, 2008: 4). این موضوع فهم، تفکیک و گونه‌شناسی تروریسم جدید را پیچیده کرده است.

در تروریسم کلاسیک و اولیه نوعی «ترور مقدس»^۱ وجود داشت و کارکردهای آن عموماً در ذیل وفاداری به مذهب یا رهبران فکری قرار می‌گرفت و شعاع عملیاتی و عرصه آن عده خاصی از افراد را در شامل می‌شد. در گذشته تروریسم بیش از هر چیز ناشی از فعالیت در حوزه‌های مذهب و سیاست بود، ولی آنچه امروزه کارکرد و دامنه آن را تغییر می‌دهد، گسترش فعالیت‌های آن به حوزه‌های اقتصاد و تجارت بین‌الملل و موادمخدر و حتی محیط‌زیست است. ولی در تروریسم اخیر در کنار حفظ برخی مفروضات کلاسیک، مبنای عقلانی و نوعی سود و هزینه نیز مدنظر است. در این وضعیت، ما با جریانی سروکار داریم که بعد هویتی و فرهنگی و میدان عملیاتی وسیعی دارد.

تروریسم از منظر روشی - رفتاری نیز تحول یافته است. باآنکه در عملیات تروریستی کلاسیک بسیاری از غیرنظامیان نیز کشته می‌شدند، ولی عمدتاً از آن تحت عنوان «اشتباهات» یا «استثنائات» یاد می‌شد، درحالی‌که در تروریسم جدید، این‌گونه اقدامات تعمدی صورت می‌گیرد و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیز برای آنها امکان‌پذیر شده است. تاکتیک‌هایی چون بریدن علنی سر قربانیان و آدم‌ربایی که در دهه‌های پیش غیرقابل‌تصور بود، آشکار شده است (Neumann, 2008: 4). روش و تاکتیک مذکور به‌دنبال آن است تا از طریق فشار به افکار عمومی، بازیگران متخاصم با گروه‌های تروریستی را وادار به عقب‌نشینی و انفعال کنند.

تروریسم سازمانی، شبکه‌ای و سایبری

براندا لوتز و جیمز لوتز (۲۰۱۰) معتقدند که امروزه تهدیدات تروریستی بیش از هر زمان دیگری است و گروه‌های تروریستی می‌توانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. [برخلاف دوران جنگ سرد] این گروه‌ها شبکه‌ها و حلقه‌های ارتباطی متعددی برای پاسخ

۱. Holy Terror تعبیری از روزمری. اچ. تی. اوکین (۲۰۰۷) در کتاب «تروریسم»، ر. ک به (O'Kane, 2007: 6).



به حملات دیگر دولت‌ها به وجود آورده‌اند. وجود شبکه‌های بین‌المللی تروریستی، امکان دفاع یا حمله [برای دولت‌ها] را سخت کرده است (Lutz & Lutz, 2010: 273 - 274). برخلاف گروه‌های تروریستی قدیمی که دارای سازمان‌های نسبتاً کوچک می‌باشند، نوع جدید دارای ساختارهای پراکنده‌تر و گسترش آن در فضای فراملی است. در مقابل سازمان‌های رسمی تروریسم کلاسیک، گروه‌های جدید تروریستی تحت عنوان «شبکه» توصیف می‌شوند و سلسله‌مراتب جایگزین روابط شخصی شده و فعالیت‌های آن فراتر از مرزهای ملی شکل گرفته است (Neumann, 2008: 3).

تروریسم مدرن برخلاف نوع کلاسیک دارای سازمان، شبکه و فعالیت‌های کاملاً سازمان‌یافته است. با گذار نسبی از جنگ‌های فیزیکی صرف با جریان‌های تروریستی ما شاهد گسترش نبردهایی با هزینه حداقلی هستیم که پیگیری ریشه‌های آن بسیار مشکل است و صرفاً می‌توان با نیت‌سنجی سیاسی به آن پی برد. خلاقیت و توسعه فضای سایبری سنگ‌بنای گسترش تروریسم مدرن است که نمونه آن را در عضویت بیش از ۶۰ کشور جهان در داعش می‌توان مشاهده کرد. در این زمینه موبلی (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های تروریستی مانع شناسایی خود شده و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورها عملاً ناکام می‌مانند.

درواقع، در جهانی که به‌طور فزاینده‌ای بر فناوری مبتنی است و تأمین امنیت دشوارتر شده است، با رمزگذاری سامانه‌های انتقال پیام، امکان ردیابی و شناسایی افراد، شبکه‌ها و راهبردهای تروریستی پیچیده‌تر شده است. گروه‌های تروریستی با بهره‌گیری از انواع نوآوری‌های عصر جدید، توانسته‌اند ایده‌های خود را گسترش دهند و به‌طور سریع تاکتیک‌ها و راهبردهای خود را به‌کار گیرند، درحالی‌که در گذشته به سادگی این امر امکان‌پذیر نبود (Counter-Terrorism Reference Curriculum, 2020: 5). شکل ترجیحی تروریسم، شبکه‌های سازمانی و شاید بهتر، شبکه‌های مبتنی بر سازمان است. تروریسم باید نامرئی باشد و هم‌زمان برای تهیه و اجرای فعالیت‌های تروریستی هماهنگ باشد. مطابق با این اهداف، سازمان‌های ضدتروریستی باید در حفظ اسرار بسیار محرمانه و جلوگیری از ثبت و ضبط عمل کنند و هر مسیر کاغذی را که می‌تواند برنامه‌ها و اهداف را افشا کند به حداقل برسانند (Smelser & Mitchel, 2002: 34).

گسترده‌گی جغرافیایی در مناطق و رشد تروریسم بین‌المللی

مناطق که به احتمال زیاد تهدید تروریستی محسوب می‌شوند، دارای سابقه‌ای طولانی در روابط بین‌المللی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با غرب هستند که شامل فازهای اخیر استعمار و نفوذ اقتصادی و فرهنگی در روند فشرده جهانی‌شدن است. بسیاری از

ایدئولوژی‌های تروریستی در حال حاضر، سیاست‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا را به‌عنوان ابژه‌های مخالفت خود در نظر می‌گیرند و تروریسم بین‌المللی معاصر خود را از بازی سیاسی متمایز می‌کند و با دیگر درگیری‌های بین‌المللی ارتباط برقرار می‌کند (Smelser & Mitchel, 2002: 2).

با وجود تلاش‌های گسترده جهانی، گروه‌های تروریستی بین‌المللی به‌علت شبکه‌سازی پیچیده در مناطق مختلف، توانسته‌اند همچنان به حیات خود تداوم ببخشند. براساس جدیدترین گزارش وزارت خارجه آمریکا، علی‌رغم تشدید هماهنگی‌های بیشتر بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با تروریسم، همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی، تشدید فعالیت‌های داخلی، توسعه تحقیقات، اختصاص منابع مالی گسترده و همچنین برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌های متعدد در این زمینه، تروریست‌هایی مانند داعش خود را با وضعیت موجود تطبیق داده و به ایجاد شبکه‌های جدید در سراسر جهان اقدام کرده‌اند. گروه‌های وابسته به این جریان در شرق آفریقا و جنوب و جنوب شرق آسیا فعال شده و شعاع اقدامات خود را فراتر از خاورمیانه و اروپا گسترش داده‌اند (Country Reports on Terrorism 2019, 2020: 2 - 25). کارکردهای ساختاری تروریسم نوین، گستره جغرافیایی آن را توسعه می‌بخشند و بر پیچیدگی و پویایی آن می‌افزایند.

تغییر در واکنش؛ تروریسم نوین در خدمت مداخلات پیش‌دستانه

در جنگ کلاسیک به‌عنوان جنگی متقارن، طرف‌ها با هر هدفی به‌دنبال شکست توانایی‌های نظامی حریف بودند. در اواسط قرن بیستم، راهبردهای جنگ، هم‌زمان با [ظهور] تروریسم، شروع به تکامل کرد. [کنشگران در این] نوع «مدرن» با توجه به کاهش انگیزه کشورها برای ادامه جنگ، تعمداً ترس و اضطراب را بین مردم کشورهای دشمن گسترش دادند. به‌همین‌منظور، راهبرد تروریسم مدرن در رسانه‌ها همانند جبهه‌های نبرد نظامی سنتی با دشمنان خود می‌جنگد. امروزه، جنگ تروریستی مدرن پیشرفت بیشتری کرده و کشورها با گونه جدیدی از سازمان‌های تروریستی ترکیبی مبارزه می‌کنند. نوع ترکیبی عموماً دارای دو قسمت بازوی نظامی و سیاسی می‌باشند و در مواقعی، ممکن است به‌جهت جلب رضایت مردم قسمت سومی را ایجاد کرده و به ارائه خدمات رفاه اجتماعی، مذهبی و آموزشی رایگان یا یارانه‌ای اقدام کنند (Ganor, 2015: 2). این نوع از تروریسم هدف‌مند و برنامه‌ریزی شده است و برخی از کشورها برای مقابله با آن راهبردهایی در سطح ملی به‌کار می‌گیرند و سازمان‌هایی به‌طور مشخص برای پیش‌بینی و کنترل تهدیدات آن در نظر گرفته‌اند (McAleenan, 2019: 1 - 7).

برخلاف تروریسم کلاسیک، مقابله با تروریسم نوین در دهه اخیر بهترین ابزار و راهبرد



را برای امریکا به وجود آورد. امریکا علاوه بر پیگیری سیاست پیوندآفرینی میان فعالیت‌های تروریستی و ملاحظات راهبردی معطوف به اشاعه توانمندی‌های کشتارجمعی و ارتباط‌دادن مبارزه با تروریسم و تغییر رژیم، بعد از ۱۱ سپتامبر برای اولین بار تجربه‌های سیاست دولت‌سازی از طریق تغییر رژیم را اتخاذ کرد و سیاست ترویج دموکراسی از طریق متحول‌سازی رژیم‌های استبدادی و جوامع غیرمدرن را دنبال کرد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹: ۲۵۸ - ۲۵۹). به دنبال این واقعه، قدرت دولتی شکل‌های فراوانی از جمله تقویت بودجه نظامی و گسترش سرویس‌های اطلاعاتی به خود گرفته است. به دنبال هر حمله تروریستی، دولت‌هایی که خود را قربانیان بی‌گناه می‌دانند [همانند امریکا پس از ۱۱ سپتامبر]، جسارت یافته‌اند که در امور داخلی سایر دولت‌ها، حتی به طور پیش‌دستانه، مداخله کنند (برچیل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

درحقیقت، بین تروریسم، مداخله امریکا و گرایش به سمت ارتقای فناوری ارتباط وجود دارد. امریکا برای تغییر یک رژیم اقدام به مداخله نظامی می‌کند، اما این مداخلات هزینه‌های زیادی برای آنها دارد؛ چراکه امریکا در این منطقه [غرب آسیا] محبوبیتی ندارد و در حال حاضر خود را در موقعیتی وابسته به رژیم‌های نامطمئن قرار داده است و این موضوع روند گسترش تروریسم را سرعت خواهد بخشید. حملات تروریستی همانند ۱۱ سپتامبر در امریکا توانست به توسعه اقتصادی آسیب بزند. از طرفی، به علت جنگ نامتقارن میان ابرقدرت امریکا و انواع قدرت‌های کوچک (ریزقدرت‌ها) در غرب آسیا، تروریسم شکل «نامنظم» داشته، نه شکل حملات تروریستی منظم. لذا، امریکا در راستای مقابله با اهداف تروریستی تلاش کرده تا توانایی خود را در حوزه فناوری ارتقا ببخشد (Asongu & Nwachukwu, 2017: 254 - 260).

نتیجه‌گیری

در سیاست آشوب‌زده امروز، تروریسم نوین با تحول در ماهیت و مؤلفه‌های اساسی خود، از شکل کلاسیک و سنتی خود متمایز شده است. عوامل متعددی در این تحول نظری دخالت دارند و مهم‌ترین آنها وضعیت چندوجهی، پیچیده و گرایش به سمت جهانی‌شدن باشد. در مقاله حاضر با بررسی و ارزیابی توان پاسخ‌دهی نظریات مطرح در حوزه سیاست بین‌الملل، در راستای پاسخ به این سؤال برآمدیم که با ارزیابی نظریه‌های مطرح سیاست بین‌الملل، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گذار مفهومی و تحول نظری از تروریسم کلاسیک به مدرن کدامند؟

نگارندگان در راستای پاسخ به سؤال پژوهش، با بررسی و ارزیابی تروریسم و نظریات

مطرح سیاست بین‌الملل، این فرضیه را مورد ارزیابی قرار دادند که دنبال فرایند جهانی‌شدن و تحولات نوین در نظام بین‌الملل، گسست و تحول نظری در مفهوم تروریسم نوین نسبت به نوع کلاسیک ایجاد شده است و نظریات اخیر توانایی چندانی برای پاسخ‌دهی و تبیین معماهای حاصل از تحول نظری مفهوم تروریسم را ندارند و برای تحلیل آن باید با نگاهی سیستمی و چندسطحی و با بهره‌گیری از متغیرهای مختلف به تبیین تحول و گسست‌های نظری پرداخت.

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش اخیر را می‌توان این‌گونه بیان کرد: نخست، تروریسم نوین برخلاف نوع سنتی و قدیمی خود از جهات مختلف (ماهیت، مؤلفه‌ها، محتوا و غیره) متحول شده است، به‌گونه‌ای که نمی‌توان با ابزارها و نظریه‌های گذشته به تبیین آن پرداخت. دوم، نظریات روابط بین‌الملل (اعم از رئالیسم، نو لیبرالیسم، سازه‌نگاری و غیره) نتوانسته علی‌رغم برخی تغییرات در مفروضات خود تحول نظری تروریسم را حتی پس از ۱۱ سپتامبر به‌خوبی تحلیل کنند. سوم، نظریات مطرح جامعه‌شناختی (کنش متقابل، منازعه و غیره) نیز در تحلیل تروریسم نوین عمده‌تاً توان پاسخ‌دهی اندکی دارند. برای تبیین تحول نظری تروریسم باید با بهره‌گیری از نظریات مختلف - که تغییر و تحول جهانی را بیش از سایر نظریات مورد توجه قرار داده‌اند - بهره گرفت. چهارم، جهانی‌شدن و حکمرانی نامطلوب بیشترین تأثیر را در تغییر و دگرگونی تروریسم نوین داشته است. پنجم، تروریسم نوین در اشکال و مؤلفه‌های مختلف با نوع کلاسیک خود در تمایز است و مهم‌ترین وجوه آن عبارتند از: افزایش تهدیدات، عمومیت و موسع‌شدن، تغییر در ماهیت و کارکرد، اهمیت یافتن تروریسم سازمانی، شبکه‌ای و سایبری، گستردگی جغرافیایی در مناطق و رشد تروریسم بین‌المللی و تغییر در واکنش کنشگران نسبت به تروریسم بین‌المللی و بهره‌گیری از آن.

منابع

- برچیل، اسکات و همکاران (۱۳۹۱)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌اله طالبی آرانی، تهران، میزان.
- چن، هینچون؛ رید، ادنا؛ سینای، جاشوا؛ سیلک، اندرو و گونار، بواز (۱۳۹۴)، **روش و پژوهش در مطالعات تروریسم**، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: انتشارات دانشکده اطلاعات.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، **آشوب در سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: روزنه.
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)، **قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای امریکا**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.



– نصری، قدیر (۱۳۹۷)، رفتار و ساختار سازمانی داعش، تهران، دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

– Asongu, S .C. Nwachukwu, J. (2017). "The Impact of Terrorism on Governance in African Countries", *World Development*, Vol. 99.pp: 253 – 270.

– Aydinli, E & Rosenau N. J. (2005). *Globalization, Security, and the Nation State: Paradigms in Transition*, State University of New York Press.

– Badeaa ,C, Binnin K, et Al. (2017). "In the aftermath of terrorism: Effects of self versus group affirmation on support for discriminatory policies", *Journal of Experimental Social Psychology*. pp: 1- 39. At: https://www.researchgate.net/profile/Constantina_Badea/publication/321022112

– Berman, E. (2009). *Radical, Religious, and Violent: The New Economics of Terrorism*, The MIT Press Cambridge, Massachusetts London, England.

– Blomberg, S. B. (2004). "Economic Conditions and Terrorism", *European Journal of Political Economy*, Vol. 20 No.2. pp: 463 – 478.

– Brynjar, Lia (2004). *Causes of Terrorism: an Expanded and updated review of the Literature*, Forsvarets Forsknings Institutt (FFI), Norwegian Defence Research Establishment. At: <http://rapporter.ffi.no/rapporter/2004/04307.pdf>

– Bunn, M; Malin, M; Roth, N& Tobey, W. (2016). *Preventing Nuclear Terrorism :Continuous Improvement or Dangerous Decline?*, BELFER CENTER for Science and International Affairs.

– Carpenter .M, W & Wiencek. G, D. (2005). *Asian Security Handbook: Terrorism and the New Security Environment*, An East Gate Book, M.E. Sharpe, Inc.

– Chaliand, G & Blin, A. (2007). *The History of Terrorism: From Antiquity to Al Qaeda*, University of California Press.

– Cinoglu, H & Özeren ,S. (2011). "Classical Schools Of Sociology And Terrorism", *Eskişehir Osmangazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 11(2).pp: 43 – 60.

– Counter-Terrorism Reference Curriculum (2020). Consortium of Defence Academies, Gohel, S. M. & Forster. P. K. [CTRC Academic Project Leads & Editors], NATO International Staff.

– Country Reports on Terrorism 2019. (2020). Bureau of Counterterrorism, U.S. Department of State, At: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/06/Country-Reports-on-Terrorism-2019-2.pdf>

– Crenshaw, M. (1983). *Terrorism, Legitimacy and Power*, Middletown, Connecticut, Wesleyan University Publication.

– Crenshaw, M. (2005). *Political Explanations, The International Summit On Democracy, Terrorism and Security, Addressing The Causes Of Terrorism*. The Club De Madrid Series On Democracy and Terrorism, Madrid.



-Dawson, M & Omar, M. (2015). New threats and countermeasures in digital crime and cyber Terrorism, Information Science Reference.

-Eid, M. (2014). Exchanging Terrorism Oxygen for Media Airways: The Age of Terroredia, Information Science Reference, IGI Global, Published in the United States of America.

-El-Said, H. (2015). New Approaches to Countering Terrorism: Designing and Evaluating Counter Radicalization and De-Radicalization Programs, PALGRAVE MACMILLAN.

-Engene, J. O. (2004). Patterns of Terrorism in Western Europe, Explaining The Trends Since 1950, Publishing by, Edward Elgar Publishing Limited Glensanda House.

-European Commission (2020). Communication from the Commission to the European Parliament, the European Council, the Council, the European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions on the EU Security Union Strategy, Brussels, July 24.

-Franke. C, V. (2005). Terrorism and Peacekeeping: New Security Challenges, PRAEGER, Westport, Connecticut, London.

-Ganor, B. (2015). Global Alert: The Rationality of Modern Islamist Terrorism and the Challenge to the Liberal Democratic World, New York, Columbia University Press.

-Getty .J, A & Manning.T, R. (1993). Stalinist Terror: New Perspective, Cambridge University Press.

-Ghosh, s. (2014)." Understanding Terrorism in the context of Global Security", Socrates, Vol. 2, No. 2. pp: 89 – 106.

-Goertz, S & Streitparth, A. E. (2019).The New Terrorism: Actors, Strategies and Tactics, Springer.

-Grey, S. (2015). The New Spymasters: Inside the Modern World of Espionage from the Cold War to Global Terror, ST. Martin's Press.

-Hoffman, B. (2002). "Rethinking Terrorism and Counterterrorism Since 9/11", Journal Studies in Conflict & Terrorism, Volume 25Issue 5, pp. 303-316.

-Hunter, T, S. (2010). Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era, Greenwood, Santa Barbara, California.

-International Narcotics Control Strategy Report (2020). Drug and Chemical Control Volume I, Bureau of International Narcotics and Law Enforcement Affairs, March, United States Department of State, at: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/06/Tab-1-INCSR-Vol.-I-Final-for-Printing-1-29-20-508-4.pdf>

-International Narcotics Control Strategy Report (2020). Money Laundering Volume II, Bureau of International Narcotics and Law Enforcement Affairs, March, United States Department of State, at: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/03/Tab-2-INCSR-Vol-2-508.pdf>



- Jakobsen, P.V. (2010). "Coercive diplomacy", IN: Contemporary Security Studies, By Collins, Oxford University Press. pp: 239- 255.
- Jones, S. G & Martin C. L. (2008). How Terrorist Groups End: Lessons for Countering al Qaeda, RAND Corporation. At: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2008/RAND_MG741-1.pdf
- Kegley, W. C. (1990). International Terrorism: Characteristics, Causes, Controls, Palgrave Macmillan.
- Khan A. (1987). "A Legal Theory of International Terrorism", Washburn University, bebpress, pp: 945 – 972, at: https://works.bepress.com/abu_kashif/68/.
- Laqueur, W. (1999). The New Terrorism, Oxford University Press.
- Laqueur, W. (2002). A History of Terrorism, Publishers, Rutgers-The State University, New Brunswick, New Jersey.
- Lesser, O. I; Hoffman, B; Arquilla, J; Ronfeldt, D & Zanini, M. (1999). Countering the New Terrorism, RAND's Project Air Force.
- Lutz, B & Lutz, J. (2010). "Terrorism", IN: Contemporary Security Studies, By Collins, Oxford University Press. pp: 273 – 288.
- Martin, G. (2016). Understanding terrorism: Challenges, perspectives, and issues, 4th Edition, Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
- McAleenan, K. (2019). Department of Homeland Security Strategic Framework for countering terrorism and targeted violence, Homeland Security.
- Mobley, B. W (2012). Terrorism and Counterintelligence: How Terrorist Groups Elude Detection, Columbia University Press.
- Mockaitis, T. (2007). The "New" Terrorism: Myths and Reality, Praeger Security International.
- Nesi, G. (2006). International Cooperation in Counter-terrorism: The United Nations and Regional Organizations in the Fight Against Terrorism, ASHGATE, At: <https://libgen.pw/item/adv/5a61ed373a044640a826b416>
- Neumann, P. R. (2008). Terrorism in the 21st Century: The Rule of Law as a Guideline for German Policy, Compass 2020 project: Germany in international relations Aims, instruments, prospects, Berlin, Friedrich-Ebert-Stiftung
- Nikbay, O & Hancerli, S. (2007). Understanding and Responding to the Terrorism Phenomenon, The NATO Science for Peace and Security Series, IOS Press.
- O’Kane H. T, R. (2007). Terrorism, United Kingdom, PERASON LANGMAN.
- Rosenau N. J & Czempiel, E. (1992). Governance Without Government: Order and Change in World Politics, Cambridge University Press.
- Rosenau N. J & Durfee, M. (2000). Thinking Theory Thorough Coherent Approaches to an incoherent World, Westview Press.



–Rosenau N. J & Singh J. P (2002). Information Technologies and Global Politics: The Changing Scope of Power and Governance, State University of New York Press.

–Sandler, T. (2014). "Terrorism and counterterrorism: an overview", Oxford Economic Papers, Volume 67, Issue 1, pp: 1–20.

–Schmid, A. P (2005). Root Causes of Terrorism: Some Conceptual Notes, a Set of Indicators, and a Model, Rout ledge, Democracy and Security, pp: 127 – 136. At: https://www.researchgate.net/publication/250893571_Root_Causes_of_Terrorism_Some_Conceptual_Notes_a_Set_of_Indicators_and_a_Model

–Selim. M, G. (2013). Global and Regional Approaches to Arms Control in the Middle East: A Critical Assessment from the Arab World, Springer Briefs in Environment, Security, Development and Peace, Mediterranean Studies.

–Smelser. J, N & Mitchel, F. (2002). Terrorism perspectives from the Behavioral and Social sciences, Center for Social and Economic Studies, National Research Council, The National Academies Press Washington, DC

–Stark, R & Bainbridge .S, W. (1985). The Future of Religion: Secularization, Revival, and Cult Formation, Berkeley, University of California Press.

–Todd Masse. (2010). Nuclear Terrorism Redux: Conventionalists, Skeptics, and the Margin of Safety, Foreign Policy Research Institute. pp: 302 – 319.

–Warraq, I. (2017). The Islam in Islamic Terrorism: The Importance of Beliefs, Ideas, and Ideology, New English Review Press.

–Weimann, Gabriel & Brosius, Hans-Bernd (1988). "The Predictability of International Terrorism: A Time-Series Analysis", Journal of Terrorism, Vol. 11 No 6. pp: 491 – 502.

–Weinberg, L; Pedahzur, A & Hirsch-Hoefler, S. (2010). "The Challenges of Conceptualizing Terrorism", Journal Terrorism and Political Violence, Volume 16, 2004 - Issue 4, Pages 777-794.

–Wendt, A. (1999). Social Theory of International Politics, Cambridge, Cambridge University Press.

–Young, J.K & Dugan, L. (2014). "Survival of the Fittest: Why Terrorist Groups Endure", Perspectives on Terrorism, Vol. 8, Issue 2, pp: 1 – 23. at: <http://www.terrorismanalysts.com/pt/index.php/pot/article/view/334/669>

–Zarate, J. (2016). The Next Terrorist Financiers: Stopping Them Before They Start. Statement to the Task Force to Investigate Terrorism Financing, Financial Services Committee, US House of Representatives, June 23, at: https://financialservices.house.gov/uploadedfiles/06.23.2016_juan_zarate_testimony.pdf

